

والینتان (روز عشاق مبارک)

روز سپندار مذگان روز عشق شاد باد

از هم اکنون و قبل از رسیدن روز والنتاین ، بیانید با آشنایی بیشتر با روز سپندار مذ (روز جشن زمین و گرامی داشتن عشق) ، به خود قول دهید که: از این پس ای ایرانی بیشتر با فرهنگ ، آداب و رسوم ملی و قومی خود در آمیز....

روز 29 بهمن روز سپندار مذگان

روز عشق شاد باد

وقتی به شروع و چگونگی وقوعش فکر می کنم، بنظرم همه چیز گیج و پیچیده می آید! اما ظاهراً این گیجی چندان هم عجیب و دور از انتظار نیست، چون عبارت "ضربه فرهنگی" را چنین تعریف کرده اند: "تغییراتی در فرهنگ که موجب به وجود آمدن گیجی، سردرگمی و هیجان می شود." این ضربه چنان نرم و آهسته بر پیکر ملت ما فرود آمد که جز گیجی و بی هویتی پی آمد آن چیزی نفهمیدیم!

شاید افراد زیادی را ببینید که کلمات Hi و Hello را با لهجه غلیظ American اش تلفظ می کنند. اما تعداد افرادی که از واژه درود استفاده می کنند، بسیار نادر است!

همینطور کلمه Thanks بیش از سپاسگزارم و Good bye بسیار راحت تر از «بدرود» در دهان ها می چرخد. ما حتی به این هم بسنده نکرده ایم!

این روزها مردم برگزاری جشن ها و مناسبت های خارجی را نشانه تجدد، تمدن و تفاخر می دانند. سفره هفت سین نمی چینند، اما در آراستن درخت کریسمس اهتمام می ورزند!

جشن شب یلدا که به بهانه بلند شدن روز، برای شکرگزاری از برکات و نعمات خداوندی برگزار می شده است را نمی شناسند، اما همراه و همزمان با بیگانگان روز شکرگزاری برپا می کنند!

همه چیز را در مورد Valentine و فلسفه نامگذاریش می دانند، اما حتی اسم "سپندار مذگان" به گوششان نخورده است.

چند سالی ست حوالی 26 بهمن ماه (14 فوریه) که می شود هیاهو و هیجان را در خیابان ها می بینیم.

مغازه های اجناس کادونی لوکس و فانتزی غلغله می شود. همه جا اسم Valentine به گوش می

خورد. از هر بچه مدرسه ای که در مورد والنتاین سوال کنی می داند که "در قرن سوم میلادی که

مطابق می شود با اوایل امپراطوری ساسانی در ایران، در روم باستان فرمانروایی بوده است بنام

کلودیوس دوم. کلودیوس عقاید عجیبی داشته است از جمله اینکه سربازی خوب خواهد جنگید که مجرد

باشد. از این رو ازدواج را برای سربازان امپراطوری روم قذغن می کند. کلودیوس به قدری بی رحم

و فرمانش به اندازه ای قاطع بود که هیچ کس جرأت کمک به ازدواج سربازان را نداشت. اما کشیشی به

نام والنتیوس (والنتاین)، مخفیانه عقد سربازان رومی را با دختران محبوبشان جاری می کرد. کلودیوس

دوم از این جریان خبردار می شود و دستور می دهد که والنتاین را به زندان ببندازند. والنتاین در زندان

عاشق دختر زندانبان می شود. سرانجام کشیش به جرم جاری کردن عقد عشاق، با قلبی عاشق اعدام می

شود... بنابراین او را به عنوان فدایی و شهید راه عشق می دانند و از آن زمان نهاد و سمبلی می شود

برای عشق!"

اما کمتر کسی است که بداند در ایران باستان، نه چون رومیان از سه قرن پس از میلاد، که از بیست

قرن پیش از میلاد، روزی موسوم به روز عشق بوده است!

جالب است بدانید که این روز در تقویم جدید ایرانی دقیقاً مصادف است با 29 بهمن، یعنی تنها 3 روز

پس از والنتاین فرنگی! این روز "سپندار مذگان" یا "اسفندار مذگان" نام داشته است. فلسفه

بزرگداشتن این روز به عنوان "روز عشق" به این صورت بوده است که در ایران باستان هر ماه را

سی روز حساب می کردند و علاوه بر اینکه ماه ها اسم داشتند، هر یک از روزهای ماه نیز یک نام داشتند.

بعنوان مثال روز اول "روز اهورا مزدا"، روز دوم، روز بهمن (سلامت، اندیشه) که نخستین صفت خداوند است، روز سوم اردیبهشت یعنی "بهترین راستی و پاکی" که باز از صفات خداوند است، روز چهارم شهریور یعنی "شاهی و فرمانروایی آرمانی" که خاص خداوند است و روز پنجم "سپندار مذ" بوده است. سپندار مذ لقب ملی زمین است. یعنی گستراننده، مقدس، فروتن. زمین نماد عشق است چون با فروتنی، تواضع و گذشت به همه عشق می ورزد. زشت و زیبا را به یک چشم می نگرد و همه را چون مادری در دامن پر مهر خود امان می دهد. به همین دلیل در فرهنگ باستان اسپندار مذگان را بعنوان نماد عشق می پنداشتند. در هر ماه، یک بار، نام روز و ماه یکی می شده است که در همان روز که نامش با نام ماه مقارن می شد، جشنی ترتیب می دادند متناسب با نام آن روز و ماه. مثلاً شانزدهمین روز هر ماه مهر نام داشت و که در ماه مهر، "مهرگان" لقب می گرفت. همین طور روز پنجم هر ماه سپندار مذ یا اسفندار مذ نام داشت که در ماه دوازدهم سال که آن هم اسفندار مذ نام داشت، جشنی با همین عنوان می گرفتند.

سپندار مذگان جشن زمین و گرمی داشت عشق است که هر دو در کنار هم معنا پیدا می کردند. در این روز زنان به شوهران خود با محبت هدیه می دادند. مردان نیز زنان و دختران را بر تخت شاهی نشاندند به آنها هدیه داده و از آنها اطاعت می کردند.

ملت ایران از جمله ملت هایی است که زندگی اش با جشن و شادمانی پیوند فراوانی داشته است، به مناسبت های گوناگون جشن می گرفتند و با سرور و شادمانی روزگار می گذرانده اند. این جشن ها نشان دهنده فرهنگ، نحوه زندگی، خلق و خوی، فلسفه حیات و کلا جهان بینی ایرانیان باستان است. از آنجایی که ما با فرهنگ باستانی خود ناآشناییم شکوه و زیبایی این فرهنگ با ما بیگانه شده است. نقطه مقابل ملت ما آمریکاییها هستند که به خود جهان بینی دچار می باشند. آنها دنیا را تنها از دیدگاه و زاویه خاص خود نگاه می کنند. مردمانی که چنین دیدگاهی دارند، متوجه نمی شوند که ملت های دیگر شیوه های زندگی و فرهنگ های متفاوتی دارند. آمریکاییها بشدت قوم پرستند و خود را محور جهان می دانند. آنها بر این باورند که عادات، رسوم و ارزش های فرهنگی شان برتر از سایرین است. این موضوع در بررسی عملکرد آنان بخوبی مشهود است. بعنوان مثال در حالی که این روزها مردم کشورهای مختلف جهان معمولاً به سه، چهار زبان مسلط می باشند، آمریکاییها تقریباً تنها به یک زبان حرف می زنند. همچنین مصرانه در پی اشاعه دادن جشن ها و سنت های خاص فرهنگ خود هستند.

"اطلاع داشتن از فرهنگ های سایر ملل" و "مرعوب شدن در برابر آن فرهنگ ها" دو مقوله کاملاً جداسط با مرعوب شدن در برابر فرهنگ و آداب و رسوم دیگران، بی اینکه ریشه در خاک، در فرهنگ و تاریخ ما داشته باشد، اگر هم به جایی برسیم، جایی ست که دیگران پیش از ما رسیده اند و جا خوش کرده اند!

برای اینکه ملتی در تفکر عقیم شود، باید هویت فرهنگی تاریخی را از او گرفت. فرهنگ مهم ترین عامل در حیات، رشد، بالندگی یا نابودی ملت ها است. هویت هر ملتی در تاریخ آن ملت نهاده شده است. اقوامی که در تاریخ از جایگاه شامخی برخوردارند، کسانی هستند که توانسته اند به شیوه مؤثرتری خود، فرهنگ و اسطوره های باستانی خود را معرفی کنند و حیات خود را تا ارتفاع یک افسانه بالا ببرند. آنچه برای معاصرین و آیندگان حائز اهمیت است، عدد افراد یک ملت و تعداد سربازانی که در جنگ کشته شده اند نیست؛ بلکه ارزشی است که آن ملت در زرادخانه فرهنگی بشریت دارد.

شاید هنوز دیر نشده باشد که روز عشق را از 26 بهمن (Valentine) به 29 بهمن (سپندار مذگان ایرانیان باستان) منتقل کنیم.

http://www.freewebs.com/parviz_r/downloadebookpdf.htm